

افراط و تفریط در سن ازدواج؛ به مثابه یک معضل

سیندرلاها و لنگه کفش‌های بلورین کهنه

داستان برخی از دواج‌های ما، چه زود هنگام باشند، چه دیر هنگام، این است که بسیار متزلزل اند و عمرشان به پنج سال نمی کشد، پس از طرفی با بیوه‌گان و مادران کم سن و سالی مواجهیم که بسته حمایتی در مورد آن‌ها دیده نشده، و از طرف دیگر، با زنان و مردان بالغ یا به سن گذاشته‌ای رو در روییم که راه‌روهای دادگاه‌ها را برای گرفتن و ندادن مهریه و مهریه‌های به اجرا گذاشته، انباشته‌اند. در هر حال، از دواج، این شتری که روزگاری بر در هر خانه‌ای می خوابید، اکنون شتر مرده‌ای است که مثل بختک بر روی فرزندان مافتاده و آن‌ها را دچار یاس و افسردگی کرده است



ادری فخری، روزنامه‌نگار

اگر داستان ازدواج دیر هنگام این است و دختران ما سیندرلاهای خاکسترنشینی هستند که منتظرند کسی آنان را از حصار نامادری و ناخواهری‌های بدجنس نجات بدهد؛ پس ما با خانم کاظمی، بحث طولانی در پیش خواهیم داشت؛ چون ایشان باید مشخص کنند که این نامادری بدجنس و ناخواهری‌های کینه‌توز، چه کسانی یا چه چیزهایی هستند که مانع ازدواج به هنگام دختران ما می شوند؟ و چگونه می توان، از شر این بدجنسی‌ها و کینه‌ورزی‌ها، خلاص شد؟ آیا حمایت از ازدواج زود هنگام، که اکنون تبدیل به یک معضل اجتماعی شده؟

کدام مشکل، معضل تراست؟!
جامعه مادر زمینه ازدواج گرفتار هر دو نوع افراط و تفریط است؛ هم به شدت در گیر از دواج‌های زود هنگام و در میان کودکان هستیم و هم از سویی در گیر از دواج‌های دیر هنگام و افزایش افراد مجردی که هرگز ازدواج نمی کنند. مهم این است که در مورد هر دوی این معضلات، نهادها و مسئولین چه رویکردی در پیش گرفته‌اند یا باید بگیرند.
البته با اخلال‌ها و فراقنی‌ها و با نظر گرفتن عرف‌ها و سنت‌ها و

خرده فرهنگ‌های موجود در هر جامعه شهری و روستایی ما، دولت سعی می کند در مساله ازدواج زود هنگام ورود نکند و به همین دلیل اغلب لایح وارد به مجلس در این زمینه روی زمین می ماند. در مورد ازدواج دیر هنگام، با تشویق‌ها، اعطای وام‌ها، برپایی ازدواج‌هایی دانشجویی و... دولت سعی دارد جوانان را به ازدواج تشویق کند اما روند ازدواج‌گریزی هم چنان ادامه دارد و جوانان مازاد دختر و پسر، تمایل چندانی به ازدواج ندارند.

داستان ازدواج‌های ما، چه زود هنگام باشند، چه دیر هنگام، این است که بسیار متزلزل اند و عمرشان به پنج سال نمی کشد، پس از طرفی با بیوه‌گان و مادران کم سن و سالی مواجهیم که بسته حمایتی در مورد آن‌ها دیده نشده و از طرف دیگر، با زنان و مردان بالغ یا به سن گذاشته‌ای رو در روییم که راه‌روهای دادگاه‌ها را برای گرفتن و ندادن مهریه و مهریه‌های به اجرا گذاشته، انباشته‌اند. در هر حال، ازدواج، این شتری که روزگاری بر در هر خانه‌ای می خوابید، اکنون شتر مرده‌ای است که مثل بختک روی فرزندان مافتاده و آن‌ها را دچار یاس و افسردگی کرده است.

زنان؛ قربانیان خاموش خشونت خانگی

نازنین ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

«خشونت خانگی» پدیده‌ای جهانی است که متأسفانه زنان و کودکان به عنوان قربانیان اصلی این معضل اجتماعی شناخته می شوند. در واقع شایع‌ترین نوع خشونت، رفتار پر خاشاگرانه و سلطه‌گر مرد نسبت به زن است که در این میان مرد، با ابزار اشکال مختلف خشونت از سلطه‌گری و قدرت‌طلبی خویش برای آزار رساندن و محدود کردن زن در خانواده استفاده می کند. در حقیقت خشونت مردان علیه زنان یک مشکل یا مساله اجتماعی محدود به یک طبقه خاص نیست و این معضل اجتماعی در تمام جهان، حتی در کشورهای پیشرفته هم با آمار و ارقام بسیار بالایی شایع است.
از نظر متخصصین روانشناسی «خشونت خانگی» به عنوان یکی از اشکال خشونت عبارت است از ضرب و شتمی که به صورت هر گونه آزار و اذیت فیزیکی، کلامی، روانی، جنسی، عاطفی،

اقتصادی و همچنین در مضیقه مالی گذاشتن زنان در خانواده اتفاق می افتد و سبب شکنجه و آزارهای روحی-روانی آنها می شود. مساله در دناک آن است که زنان در خانه و خانواده‌ها از عزیزترین و مطمئن‌ترین افراد زندگانی خویش که هم خون آنها هستند یعنی از پدر و برادرشان کمک می خورند و آزار می بینند، برآستی بعد از چنین اتفاق تلخ و دردناکی که در بستر خانوادگی رخ می دهد، آیا خانواده می تواند همچون قبل کارکرد اصلی خود را به عنوان مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهاد تربیتی و حمایتی انجام دهد؟
آیا در چنین فضایی اعضای خانواده مثل قبل می توانند همدل و حامی یکدیگر باشند؟
بر اساس آمار و گزارش‌های روانشناختی در حوزه «خشونت خانگی» می توان گفت هنگامی که «خشونت» در پایگاه خانواده رخ می دهد، بنیان آن متزلزل می شود، روابط اعضا به سردی می گراید، پی‌امتمادی و احساس خشمی پنهان شده در میان اعضا نسبت به یکدیگر به صورت برجسته‌ای نمایان می شود. در چنین فضایی افرادی توانمند دوباره روابط صمیمانه‌ای

دارید این سیندرلاها، بالنگه کفش‌های بلورین‌شان، هم چنان منتظر شاهزاده مانده باشند. اتفاقاً آنان، آن دختران و حتی پسران، رخت و پخت خویش را از این رویای بی تعبیر بیرون کشیده‌اند و دارند به هر طریقی که هست؛ افتان و خیزان، چرخ زندگی مجردی‌شان را می چرخانند.

تاخیر در ازدواج چرا؟

مدتی است کارشناسان فرهنگی و اجتماعی نسبت به افزایش سن ازدواج جوانان هشدار می دهند و ادامه این روند را دارای پی‌آمدهای خوشایند و ناخوشایند اجتماعی می دانند. سن ازدواج در حال افزایش است و این افزایش تا آن جا پذیرفته می شود که پیامدهای منفی و ناخوشایند آن تعدیل شود، در حالی که مطالعات اجتماعی نشان می دهد که ازدواج زود هنگام و دیر هنگام در هر دو صورت پیامدها و اثرات مثبت و منفی دارند که بر اساس فرهنگ حاکم در جامعه طی مرور زمان پذیرفته یا مردود می شود.

آرزو مولودی آسیب شناس اجتماعی معتقد است: عوامل بسیاری در ایجاد این پدیده که البته متاثر از روند جهانی است، دخالت دارد؛ یکی از مهم‌ترین این مسائل تغییر در باورها و الگوهای فکری و رفتاری جوانان است که خواستار شکلی جدیدی از روابط خانوادگی هستند، شاید همین مساله انتخاب همسر ایده‌آل را با تاخیر و دشواری روبه‌رو کند.

یکی از مهم‌ترین عوامل، تحول موقعیت زنان و ادامه تحصیلات آنان تا مقاطع عالی است، با توجه به الزامات و مشکلات موجود امروز در اداره کردن خانه و خانواده برای دختران و پسران، ازدواج فرستار تقاضای تحصیلی را کاهش می دهد. اما یکی از مهم‌ترین علل تاخیر در سن ازدواج، تنگناهای مالی، نبود شغل مناسب و نداشتن مسکن است که در حال حاضر از عوامل مهم گریز از دواج عنوان می شود. متأسفانه اقدامات کند و سطحی در حمایت از این قشر از جوانان تاکنون نتوانسته آمار ازدواج را تا مرز ایده‌آل رشد دهد.

هر چند در شرایط کنونی نمی توان سن به‌خصوصی را مرز ازدواج به‌هنگام و دیر هنگام دانست اما به طور معمول وقتی شانس انتخاب همسر و تعدد گزینه‌های انتخابی به تدریج با افزایش سن کاهش می یابد از آن به تاخیر در سن ازدواج یاد می شود. تجرد در سنین بالاچه برای مرد و چه برای زن غالباً با پیامدهای منفی همراه است. در کشور ما پژوهش‌ها نشان می دهد

جامعه مادر زمینه ازدواج گرفتار هر دو نوع افراط و تفریط است؛ هم به شدت در گیر از دواج‌های زود هنگام و در میان کودکان هستیم، و هم از سویی در گیر از دواج‌های دیر هنگام و افزایش افراد مجردی که هرگز ازدواج نمی کنند

که جوانان با تاخیر در ازدواج، معمولاً فرصت بیشتری برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها، پیدا کردن شغل مناسب و ارتقای شأن اجتماعی پیدا می کنند، این مساله به‌خصوص برای زنان بیشتر مصداق خارجی دارد. در عین حال بالا رفتن سن ازدواج آثار جمعی هم دارد و آن مهار جمعیت است، هر چه مدت فرزندان برای ازدواج می کشند، جمعیت هم کاسته می شود. در عین حال تجرد در سنین بالا منجر به بالاترین و کاهش انگیزه و تلاش فردی می شود. افسردگی و ترس از تنهایی اغلب به سراغ افراد مجرد می آید، و سواست زیاد در انتخاب و احتیاط بیش از حد در تعاملات میان فردی هم از تبعات تجرد است. مشکلات فیزیکی و فرزندآوری برای زنان یکی از پیامدهای دیگر تاخیر بیش از حد در ازدواج است.

دکتر مولودی با اشاره به دلایل عدم تمایل برخی جوانان به ازدواج می گوید: آمار بالای طلاق و ترس از شکست یکی از دلایل گریز جوانان از ازدواج است. هم چنین آنان این روزها، الگویی از زن و شوهر موفق و صمیمی در اطرافیان خود مشاهده نمی کنند. به همین دلیل تمایلی به ازدواج ندارند.

از دیگر مسائل مهم، کم‌رنگ شدن اعتماد در جامعه از مسائل تأثیرگذار در تأخیر ازدواج است. زمانی که زن و مرد نتوانند به یکدیگر اعتماد کنند چگونه زندگی مشترک را آغاز خواهند کرد؟

دلایل تأخیر در ازدواج از نگاه دختران و پسران

یکی از مهم‌ترین دلایل تأخیر ازدواج در بین دختران، ترس از دست دادن موقعیت شغلی و تحصیلی است به همین دلیل دولت باید امکاناتی را برای زنان متاهل فراهم کند. از سوی دیگر روابط آزاد و برخی بنی‌بوداری‌ها در جامعه و ترس از مسئولیت‌پذیری مهم‌ترین دلایل تأخیر ازدواج در بین مردان است.

نه فقط مردان را تحت پوشش خود قرار دهد؛ زیرا همین قوانین کشور با توجه به بیش از حد به مردان و ندادن گرفتن حقوق زنان و کودکان، می تواند به عنوان یکی از عوامل شکل‌گیری خشونت علیه خانواده‌ها محسوب شود.

بر این اساس و با توجه به مطالب مطرح شده کماکان موضوع «خشونت» یک پدیده جهانی تلقی می‌شود که برای پیشگیری و کنترل آن در کشور باید اقداماتی اساسی در قانون گذاری صورت گیرد. از این رو امید است با انجام اصلاحاتی در قوانین کشور به منظور حمایت از زنان و کودکان قدم‌های بزرگی در راستای پیشگیری از توسعه خشونت برداشته شود. همچنین به عنوان نکته آخر برای فراهم آوردن بستر فرهنگی مطلوب برای پیشگیری از این معضل اجتماعی از سازمان‌ها، وزارتخانه‌ها به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش، نهادهای ذی‌ربط و همچنین صداوسیما انتظار می‌رود با بهره‌مندی از راهبردها و مساعدت‌های متخصصین روان‌شناس در جهت آگاه‌سازی و آموزش مهارت‌های ارتباطی و کنترل خشم‌تدابیری را اتخاذ کنند تا به این ترتیب با روشنگری و افزایش آگاهی افراد جامعه، کمتر شاهد آثار مخرب جسمانی و روانی «خشونت خانگی» علیه زنان سرزمینمان باشیم.

از گوشه و کنار

نرخ رشد آسیب‌های اجتماعی ۲۰ برابر نرخ رشد جمعیت



علی محمد زنگانه در پنل «نهادهای مسئول و حل مسائل خانواده» با اشاره به افزایش میزان آسیب‌های اجتماعی در ایران، افزود: نرخ آسیب‌های اجتماعی در تمامی کشورهای روبه‌تزايد است و ایران هم از این مستثنایست. رئیس شورای ارتقای آگاهی‌های عمومی قوه قضاییه با بیان این که نباید در حوزه آسیب‌های اجتماعی سیاه‌نمایی کنیم، تأکید کرد: نگاه افراط و تفریط در آسیب‌های کمکی به حل مساله نمی‌کند. زنگانه با انتقاد از نگاه آماری در برخورد با آسیب‌های اجتماعی ادامه داد: در طول یک برنامه توسعه ۵ ساله انتظار کاهش ۲۵ درصدی آسیب‌های اجتماعی انتظار بیوده‌ای است. وی اضافه کرد: طلاق به‌عنوان یک آسیب اجتماعی ریشه در تربیت انسان معاصر دارد که گرفتار فردگرایی شده است. جامعه ما در طول دهه‌های اخیر از خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای تغییر کرده است و در پدیده‌های اجتماعی باید به این زمینه‌های اجتماعی توجه کنیم. رئیس شورای ارتقای آگاهی‌های عمومی قوه قضاییه با اشاره به برگزاری کلاس‌های مشاوره پیش از ازدواج با برگزاری کلاس‌های چندساعته پیش از ازدواج و در زمانی که زوجین یکدیگر را انتخاب کرده‌اند هیچ مشکلی حل نمی‌شود و آموزش‌ها باید از مهد کودک و پیش‌دبستانی آغاز شود.

درآمد میلیاردی صداوسیما از تبلیغات کنکور

امسال بیشتر از ۲۰۰ میلیون جلد کتاب درسی به چاپ رسیده و بیشتر از ۲۲ میلیون جلد کتاب



کمک درسی چاپ شده است. یعنی آموزش و پرورش کشور ما یکی از منابع مهم از بین بردن طبیعت است. به خاطر این که هر سال کتاب‌های درسی عوض می‌شوند تا کسانی که کتاب کمک درسی می‌خواهند دیگر نتوانند از کتاب‌های سال گذشته استفاده کنند و کتاب‌ها هر سال تجدید چاپ شود. تنها یک ناشر کتاب کمک درسی در کشور بیشتر از ۳۳۰ عنوان کتاب چاپ کرده و مبلغ ۳۵۰ میلیارد در یک سال برای تبلیغات به صداوسیما پرداخت کرده است. در مساله کنکور مافیایی وجود دارد که نمی‌گذارد ماجرای کنکور و معضلات آن در رابطه با دانش‌آموزان هرگز حل شود.

سخت‌گویی سازمان ثبت احوال:

۱۵ میلیون نفر کارت ملی ندارند
سخت‌گویی سازمان ثبت احوال کشور گفت: پیش‌بینی می‌شود ۱۵ میلیون نفر در کشور فاقد هر گونه کارت ملی باشند که شامل کارت اولی‌ها و افراد دیگر هستند و تاخیر در صدور کارت شامل این آمار نمی‌شود. سیف‌الله ابوترابی در گفت‌وگو با ایرنا افزود: افرادی که فاقد هر گونه کارت ملی هستند و تاکنون هیچ نمونه کارت ملی (نمونه قدیم و کارت هوشمند ملی) را دریافت نکرده‌اند، در اولویت دریافت کارت هوشمند ملی هستند. وی خاطر نشان کرد: متقاضیان دریافت کارت هوشمند ملی می‌توانند برای دریافت این کارت به ادارات پست، ثبت احوال و دفاتر پیشخوان در سراسر کشور مراجعه کنند. سخت‌گویی سازمان ثبت احوال گفت: در حال حاضر هیچ گونه تغییری به دلیل افزایش نرخ ارز در هزینه کارت هوشمند ملی ندارد. به مراجعه‌کنندگان بسیاری در سالی این کارت ملی همان مبلغ گذشته را که از سوی سازمان ثبت احوال اعلام شده بود، پرداخت کنند. وی گفت: مراجعه‌کنندگان برای دریافت کارت هوشمند ملی باید حداکثر ۳۱ هزار تومان پرداخت کنند؛ از این رقم ۱۱ هزار تومان بابت هزینه صدور کارت و تحویل آن است و ۲۰ هزار تومان هم به خزانه دولت واریز می‌شود. دریافت هزینه بیشتر خلاف است و مردم می‌توانند موارد خلاف را به ادارات ثبت احوال اعلام کنند.